



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسّی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶

جلسه پنجاه و پنجم؛ سه شنبه ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

کیفیت تقسیط ثمن

مرحوم شیخ رحمته الله از بعضی نقل کرده‌اند که بیع در صورتی نسبت به ملک بایع صحیح است که حکم به صحّت، منجر به ربا نشود. کلام شیخ رحمته الله را فی الجمله توضیح دادیم اما از آنجا که این مسئله بحث‌های خوب و مفیدی دارد و عده‌ای هم در اینجا متعرض آن شده‌اند، لذا مناسب است آن را بیشتر بررسی کنیم، منتها چون تطبیق بهتر این بحث تا اندازه‌ای متفرّع بر اطلاع از کیفیت تقسیط ثمن است، بعد از بحث مذکور به آن می‌پردازیم إن شاء الله.

بحث مهمی که فعلاً مطرح می‌کنیم، کیفیت تقسیط ثمن است؛ زیرا علی الفرض بایع، ملک خود را به همراه ملک دیگری منضمّاً به ثمن واحد فروخته است؛ یعنی ثمن واحد در مقابل هر دو بخش واقع شده است و بیان کردیم بیع در هر صورت نسبت به ملک خود بایع صحیح است، حال اگر مالک بیع فضولی را اجازه ندهد یا اینکه کسی قائل به بطلان فضولی باشد، معلوم است که مشتری نباید کل ثمن را پرداخت کند، اما باید بحث کرد که چه مقدار از ثمن، سهم بایع است و چه مقدار باید به مشتری برگردانده شود؛ مثلاً اگر مشتری کتاب رسائل و مکاسب را به ۶ درهم خریده باشد و بعداً منکشف شود رسائل ملک دیگری است و مالک اجازه ندهد، مشتری چه مقدار از ثمن را می‌تواند از بایع پس بگیرد؟

این بحث در فرض اجازه مالک هم مطرح می‌شود؛ یعنی اگر قائل به صحّت فضولی با اجازه شدیم و مالک هم اجازه کرد، چه مقدار از ثمن به مالک می‌رسد و چه مقدار برای بایع است؟

می‌گوییم در اینجا صورتی متصور است:

گاهی بایع هر بخشی از مبیع را جداگانه قیمت‌گذاری کرده و سپس با هم فروخته است؛ مثلاً می‌گوید کتاب مکاسب را ۴ درهم و کتاب رسائل را ۲ درهم و در مجموع هر دو را به شش درهم می‌فروشم. در این صورت بحثی وجود ندارد و قیمت هر بخش معلوم است و بایع ۲ درهم باید به مشتری برگرداند.

گاهی بایع دو جزء مبیع را منضمماً به ۶ درهم می‌فروشد و علی‌الفرض ۶ درهم ثمن المثل مجموع دو جزء می‌باشد و انضمام دو مبیع هم باعث افزایش یا نقص ثمن المثل هر یک یا مجموع نمی‌شود. در این صورت هم بحثی وجود ندارد؛ زیرا اگر ثمن المثل باشد، به راحتی می‌توان یک بخش مبیع یا هر دو بخش را جداگانه قیمت کرد و سهم هر یک از بایع و مشتری یا بایع و مالک مشخص شود.

اما گاهی بایع هر دو جزء مبیع را منضمماً فروخته است ولی نه در مقابل ثمن المثل، بلکه ارزان‌تر یا گران‌تر از ثمن المثل فروخته است. محل بحث ما این فرض است که قیمت هر یک از دو بخش مبیع معلوم نباشد، در اینجا باید بحث کرد که کیفیت تقسیط ثمن چگونه است و سهم هر یک از مالکین چه مقدار است؟ و البته در مواردی هم انضمام مبیعین می‌تواند در قیمت‌ها مؤثر باشد که بحث آن خواهد آمد إن شاء الله.

در مجموع - غیر از آنچه در حواشی مکاسب است - ظاهراً سه روش از قدیم ارائه شده است یا لااقل احتمالاً سه روش وجود دارد، ولی برخی گفته‌اند دو روش بیشتر وجود ندارد و اینکه گفته شده سه روش، برداشتی اشتباه بوده است. و در نهایت هم سید یزدی رحمته الله روش جدیدی ارائه می‌کند.

روش‌های ارائه شده برای کیفیت تقسیط ثمن

۱. روش شیخ رحمته الله: «تقسیط ثمن المسمی به تناسب قیمت سوقیه هر جزء مبیع به مجموع قیمتین» شیخ رحمته الله در اینجا روشی ارائه داده و می‌فرماید صریح یا ظاهر عبارات بعضی اعلام نیز چنین است. سپس مثالهایی می‌زنند و در انتها می‌فرمایند: «فالتحقیق فی جمیع الموارد، ما ذکرناه». روش ایشان چنین است که هر یک از دو متاع را جداگانه قیمت می‌کنند و این دو قیمت را جمع کرده و

۱. کتاب مکاسب، ج ۳، ص ۵۱۵:

و طریق معرفة حصّة کلّ منهما من الثمن فی غیر المثلی: أن یقوم کلّ منهما منفرداً، فیؤخذ لكلّ واحد جزء من الثمن نسبتاً إلیه کنسبة قیمته إلی مجموع قیمتین، مثاله كما عن السرائر: ما إذا كان ثمنهما ثلاثة دنانیر، و قيل: «إنّ قيمة المملوك قیراط و قيمة غیره قیراطان» فیرجع المشتري بثلثی الثمن.

... فالتحقیق فی جمیع الموارد: ما ذکرناه، من ملاحظة قيمة کلّ منهما منفرداً، و نسبة قيمة أحدهما إلی مجموع قیمتین.

سپس نسبت یکی یا هر دو را به قیمت مجموع به دست می‌آورند و طبق همان نسبت، از ثمن المسمی به هر یک داده می‌شود؛ مثلاً اگر قیمت سوقیه مکاسب ۲ درهم و قیمت سوقیه رسائل ۱ درهم باشد، جمع قیمتین ۳ درهم می‌شود و نسبت قیمت سوقیه مکاسب به مجموع قیمتین، $\frac{2}{3}$ و نسبت قیمت رسائل $\frac{1}{3}$ است. حال اگر بایع مجموع دو کتاب را به بیشتر از ثمن المثل و مثلاً به ۶ درهم فروخته باشد، ثمن المسمی طبق تناسبی که به دست آوردیم تقسیم می‌شود؛ یعنی $\frac{2}{3}$ ثمن المسمی که ۴ درهم می‌شود برای بایع است و $\frac{1}{3}$ آن یعنی ۲ درهم به مشتری داده می‌شود و یا در صورتی که مالک اجازه دهد به مالک می‌رسد.

روش دوم: نسبت قیمت سوقیه یک جزء به قیمت سوقیه مجموع دو جزء

شیخ رحمته می‌فرماید: ظاهر عبارت محقق حلّی، علامه حلّی و شهید رحمته آن است که دو جنس را منضمماً به یکدیگر قیمت می‌کنند و سپس یکی از آن دو جنس را قیمت می‌کنند و نسبتش را به قیمت مجموع می‌سنجند و به همان نسبت از ثمن المسمی به مالک یا به مشتری پرداخت می‌شود و باقیمانده برای بایع است.^۲

۲. کتاب المكاسب، ج ۳، ص ۵۱۵:

و ما ذكرنا من الطريق هو المصرح به في الإرشاد، حيث قال: و يقسّم المسمّى على القيمتين. و لعلّه أيضاً مرجع ما في الشرائع و القواعد و الممعة: من أنّهما يقوّمان جميعاً ثمّ يقوّم أحدهما؛ و لهذا فسّر بهذه العبارة المحقّق الثاني عبارة الإرشاد، حيث قال: طريق تقسيط المسمّى على القيمتين .. إلخ. لكنّ الإنصاف: أنّ هذه العبارة الموجودة في هذه الكتب لا تنطبق بظاهرها على عبارة الإرشاد التي اخترناها في طريق التقسيط و استظهرناه من السرائر؛ إذ لو كان المراد من «تقويمهما معاً»: تقويم كلّ منهما لا تقويم المجموع لم يحتج إلى قولهم: «ثمّ يقوّم أحدهما، ثمّ تنسب قيمته» إذ ليس هنا إلّا أمران: تقويم كلّ منهما، و نسبة قيمته إلى مجموع القيمتين؛ فالظاهر إرادة قيمتهما مجتمعين، ثمّ تقويم أحدهما بنفسه، ثمّ ملاحظة نسبة قيمة أحدهما إلى قيمة المجموع.

و من هنا أنكر عليهم جماعة تبعاً لجامع المقاصد إطلاق القول بذلك؛ إذ لا يستقيم ذلك فيما إذا كان لاجتماع الملكين دخل في زيادة القيمة، كما في مصراعي باب و زوج خفّ إذا فرض تقويم المجموع بعشرة و تقويم أحدهما بدرهمين و كان الثمن خمسة، فإنّه إذا رجع المشتري بجزء من الثمن نسبته إليه كنسبة الاثنين إلى العشرة استحقّ من البائع واحداً من الخمسة فيبقى للبائع أربعة في مقابل المصراع الواحد، مع أنّه لم يستحقّ من الثمن إلّا مقداراً من الثمن مساوياً لما يقابل المصراع الآخر أعني درهمين و نصفاً. و الحاصل: أنّ البيع إنّما يبطل في ملك الغير بحصة من الثمن يستحقّها الغير مع الإجازة، و يصحّ في نصيب المالك بحصة كان يأخذها مع إجازة مالك الجزء الآخر.

هذا، و لكنّ الظاهر أنّ كلام الجماعة إنّما محمول على الغالب: من عدم زيادة القيمة و لا نقصانها بالاجتماع، أو مرادهم من «تقويمهما» تقويم كلّ منهما منفرداً، و يراد من «تقويم أحدهما ثانياً» ملاحظة قيمته مع مجموع القيمتين، و إلّا ففساد الضابط المذكور في كلامهم لا يحتاج إلى النقص بصورة مدخلة الاجتماع في الزيادة التي يمكن القول فيها و إن كان ضعيفاً بأخذ النسبة للمشتري بين قيمة أحدهما المنفرد و بين قيمة المجموع، بل ينتقض بصورة مدخلة الاجتماع في نقصان القيمة بحيث يكون قيمة أحدهما منفرداً مثل قيمة المجموع أو أزيد، فإنّ هذا فرض ممكن كما صرح به في رهن جامع المقاصد و غيره فإنّ الالتزام هنا بالنسبة المذكورة يوجب الجمع بين الثمن و المثل، كما لو باع جارية مع أمّها قيمتهما مجتمعتين

فرق این بیان با روش شیخ رحمته الله آن است که شیخ فرمودند هر جزء را جداگانه قیمت می‌کنند و سپس این دو قیمت را جمع کرده و نسبت هر یک را به مجموع قیمتین به دست می‌آورند، اما در روش دوم مجموع دو جزء مبیع، قیمت می‌شود و نسبت آن با قیمت یک جزء سنجیده می‌شود و این دو روش با هم تفاوت دارد؛ زیرا در بعض موارد، قیمت مجموع دو جزء با مجموع قیمت دو جزء متفاوت است؛ مثلاً فرض کنید دو قالی نفیس وجود داشته باشد که جفت باشند و اگر با هم فروخته شوند، قیمت آن بیشتر از مجموع قیمت هر دو جزء باشد؛ فرضاً اگر این دو قالی با هم فروخته شود، قیمت مجموعش ۱۰۰ میلیون تومان است، اما اگر هر کدام را به تنهایی بفروشند، بیش از ۴۰ میلیون ارزش ندارد که مجموع قیمتین ۸۰ میلیون می‌شود. پس قیمت مجموع با مجموع قیمتین ممکن است متفاوت باشد.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی

عشرة، و قيمة كل واحدة منهما منفردة عشرة، بثمانية؛ فإن نسبة قيمة إحداهما المنفردة إلى مجموع القيمتين نسبة الشيء إلى مماثله، فرجع بكل الثمانية. وكان من أورد عليهم ذلك غفل عن هذا، أو كان عنده غير ممكن.